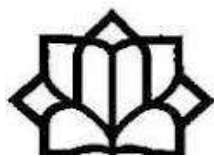


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه ادیان و فلسفه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی

عنوان:

بررسی تحلیلی جنبش های نو ظهور معنوی

مورد شبه قاره هند در قرن بیستم

استاد راهنما:

دکتر احسان قدرت الهی

توسط:

مرضیه کریمیان

شهریور ۹۲

تشکر و قدر دانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار به ویژه اساتید دوره ی کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای **دکتر احسان قدرت الهی** که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند، نهایت تشکر و سپاس گزاری را دارم. از جناب آقای **دکتر محمد هادی امینی** به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند، کمال تشکر را دارم.

همچنین از تشریک مساعی آقای **دکتر اسد الله بابایی فرد** به عنوان استاد داور داخل دانشگاه و همچنین نماینده ی تحصیلات تکمیلی و آقای دکتر محمد مشهدی نوش آبادی به عنوان استاد مدعو خارج از دانشگاه که این پایان نامه را مورد مطالعه قرار داده و در جلسه ی دفاعیه شرکت نموده اند تشکر می نمایم.

چکیده

جنبش (NRMS) که قدمت آن ها در جوامع ابتدایی به قرن شانزدهم و در مغرب زمین به قرن نوزدهم می رسد، تعبیر نسبتاً جدیدی در حوزه ی مطالعات ادیان به شمار می رود که در نیم قرن اخیر به طور چشمگیری مورد توجه دین پژوهان قرار گرفته و حتی به مثابه ی رشته ی جدیدی از فروع جامعه شناسی دین محسوب می شود.

در مواجهه با این پدیده ی نوظهور جمعی به طرفداری از این جنبش ها پرداخته و با عضویت در آن ها در صدد دست یافتن به گونه ای از معنویت بودند که ادیان تاریخی از اعطای آن به انسان مسخ شده ی دوره ی مدرن ناتوان مانده بودند. در مقابل گروهی نیز آموزه های این جنبش ها را کفر آمیز دانسته، آن ها را تهدیدی برابر درست کیشی دینی می دیدند و به شدت با آن به مبارزه برخاستند.

سواى زمینه هایی که به پیدایش این جنبش ها انجامیده و تعاملات مثبت و منفی ای که با ادیان بومی داشته اند، که خود پژوهش های مفصل و مستقلی در حوزه ی جامعه شناسی دین را می طلبد، تبار شناسی جغرافیایی این جنبش ها و استخراج آموزه های بنیادین مشترک که عمدتاً از ادیان بومی همان سرزمین ها نیز الهام گرفته شده اند، حایز اهمیت فراوان است.

پژوهش حاضر کوشیده است تا در قالب چهار فصل ابتدا به بررسی اجمالی علل اصلی پیدایش این جنبش ها، یعنی مدرنیته، انقلاب صنعتی و جنگ های جهانی پرداخته، سپس مهم ترین باورها و آموزه های بنیان گذاران سه جنبش نوین با تبار شرقی و خاستگاه هندی یعنی اشو، کریشنا مورتی، و یوگاناندا را مرور نموده و در نهایت تاثیر پذیری آن ها از ادیان شبه قاره ی هند و مکاتب عرفانی وابسته به آن ها را تبیین نماید. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که همه ی این جنبش ها نه با کارکردهای یک دین تمام عیار و ذو جوانب بلکه بیشتر با رویکردی عرفانی الهام گرفته از هندوییزم، بودیزم و مکاتب اوپانیشاد، یوگا و ذن، درصدد ارایه ی دستورالعمل هایی جهت ایصال انسان به کمال آرمانی اش و نجات بشر از شر آلام و مصایبی است که او را فرا گرفته اند. در این راستا آموزه هایی چون عشق، مراقبه، آزادی ذهن از شرطیت ها، خودشناسی، درون نگری و معرفت شهودی محوریت داشته و باورهایی چون حقیقت مطلق، بهشت، دوزخ، تناسخ و ... نه به مثابه ی تعلیمی کلامی بلکه با تفسیری باطنی منظومه ی تفکر عرفانی بنیان گذاران این جنبش ها را تکمیل کرده است.

کلمات کلیدی: جنبش های دینی نوین، راجنیش اشو، جیدو کریشنا مورتی، پاراهامسا

یوگاناندا، شبه قاره ی هند، مدرنیته.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

فصل اول: کلیات تحقیق

۱	۱-۱-بخش اول: مشخصات طرح پژوهشی.....
۱	۱-۱-۱- موضوع تحقیق.....
۱	۱-۱-۲- اهداف تحقیق.....
۱	۱-۱-۳- سوالات و فرضیات تحقیق.....
۳	۱-۱-۴- زمینه-پیشینه تحقیق.....
۱۳	۲-۱-بخش دوم: جنبش های معنوی نوین.....
۱۳	۲-۱-۱- تاریخچه و تعاریف.....
۱۵	۲-۱-۲- گوناگونی جنبش ها.....
۱۹	۲-۱-۳- تعداد جنبش ها.....
۲۰	۲-۱-۴- طبقه ی اجتماعی.....
۲۰	۲-۱-۵- سن.....
۲۲	۳-۱-بخش سوم: علل رویکرد به جنبش های معنوی نوین.....
۲۲	۳-۱-۱- مدرنیته.....
۲۲	۳-۱-۱-۱- مفهوم مدرنیته.....
۲۳	۳-۱-۱-۲- تاریخچه.....
۲۵	۳-۱-۱-۳- مؤلفه های مدرنیته.....
۲۷	۳-۱-۱-۴- مدرنیته و رویکرد به جنبش های معنوی نوین.....
۳۰	۳-۱-۲- انقلاب صنعتی.....
۳۰	۳-۱-۲-۱- شرقی شدن غرب.....
۳۲	۳-۱-۳- ادیان شرقی و جنبش های معنوی نوین.....
۳۵	۳-۱-۴- جنگ های جهانی اول و دوم.....

فصل دوم: شری راجنیش اشو

۳۷	۱-۲-بخش اول: شرح احوال و بررسی آثار.....
۳۷	۱-۲-۱- قبل از تولد.....
۳۸	۱-۲-۲- تولد و کودکی.....

۳۹نام و القاب.....۳-۱-۲
۴۰تحصیلات.....۴-۱-۲
۴۱روشن ضمیری.....۵-۱-۲
۴۲نگاه اشو به دین و تاسیس آیین جدید.....۶-۱-۲
۴۴پایان زندگی.....۷-۱-۲
۴۵آثار.....۸-۱-۲
۴۶بخش دوم: عقاید و آموزه ها.....۲-۲
۴۶خدا یا حقیقت مطلق.....۱-۲-۲
۴۹جایگاه انسان و ساحت های او.....۲-۲-۲
۵۲انسان آرمانی.....۳-۲-۲
۵۴زندگی و هنر زیستن.....۴-۲-۲
۵۷مرگ.....۵-۲-۲
۶۱بهشت و جهنم.....۶-۲-۲
۶۲تناسخ.....۷-۲-۲
۶۳رنج و علت آن.....۸-۲-۲
۶۴آزادی و رهایی از رنج؛ مقصد سلوک معنوی.....۹-۲-۲
۶۹لوازم حصول رهایی و وصول به حقیقت متعالی.....۱۰-۲-۲
۶۹مدی تیشن.....۱-۱۰-۲-۲
۷۱آثار و فواید مدی تیشن.....۱-۱-۱۰-۲-۲
۸۱شرایط و نحوه ی انجام مدی تیشن.....۲-۱-۱۰-۲-۲
۸۳عشق.....۲-۱۰-۲-۲
۸۹خودشناسی.....۳-۱۰-۲-۲
۹۱معرفت حضوری و شهودی.....۴-۱۰-۲-۲
۹۵بخش سوم: تاثیر پذیری از ادیان و مکاتب عرفانی شرقی.....۳-۲
۹۵خدا یا حقیقت مطلق.....۱-۳-۲
۹۷زوربای بودایی.....۲-۳-۲
۹۹مدی تیشن.....۳-۳-۲
۱۰۰کندالینی و چکره های هفتگانه.....۴-۳-۲
۱۰۳عشق.....۵-۳-۲
۱۰۴رنج و علت آن.....۶-۳-۲
۱۰۶تناسخ.....۷-۳-۲

۱۰۷خودشناسی و درون گرایی.....۸-۳-۲
۱۰۸معرفت شهودی.....۹-۳-۲
۱۰۹آزادی و رهایی از رنج.....۱۰-۳-۲
	فصل سوم: جیدو کریشنا مورتی
۱۱۲بخش اول: شرح احوال و بررسی آثار.....۱-۳
۱۱۳۱-۱-۳- تولد، کودکی و جوانی.....
۱۱۷۲-۱-۳- پایان زندگی.....
۱۱۸۳-۱-۳- بررسی آثار.....
۱۲۰بخش دوم: عقاید و آموزه ها.....۲-۳
۱۲۰۱-۲-۳- خدا یا حقیقت مطلق.....
۱۲۵۲-۲-۳- جایگاه انسان.....
۱۲۶۳-۲-۳- انسان آرمانی.....
۱۲۸۴-۲-۳- زندگی و معنای آن.....
۱۳۰۵-۲-۳- مرگ.....
۱۳۳۱-۵-۲-۳- علت ترس از مرگ.....
۱۳۵۶-۲-۳- تناسخ.....
۱۳۸۷-۲-۳- رنج و علت آن.....
۱۴۰۸-۲-۳- آزادی و رهایی از رنج؛ مقصد سلوک معنوی.....
۱۴۴۹-۲-۳- لوازم حصول رهایی و وصول به حقیقت مطلق.....
۱۴۴۱-۹-۲-۳- پاک سازی ذهن از شرطیات.....
۱۴۶۱-۱-۹-۲-۳- عوامل شرطیت زای ذهن.....
۱۴۶۱-۱-۹-۲-۳- فکر، ترس و لذت.....
۱۴۸۲-۱-۹-۲-۳- مذهب یا پروپاگاندا.....
۱۵۰۳-۱-۹-۲-۳- نظام های تعلیم و تربیت.....
۱۵۱۲-۹-۲-۳- درون نگری و خودشناسی.....
۱۵۵۳-۹-۲-۳- معرفت شهودی.....
۱۶۰۴-۹-۲-۳- مدی تیشن.....
۱۶۴بخش سوم: تاثیر پذیری از ادیان و مکاتب عرفانی شرقی.....۳-۳
۱۶۴۱-۳-۳- خدا یا حقیقت مطلق.....
۱۶۶۲-۳-۳- رنج و علاج آن.....
۱۶۹۳-۳-۳- تناسخ.....
۱۷۰۴-۳-۳- نیروانده.....

۱۷۲۵-۳-۳-پاک سازی ذهن از شرطیات
۱۷۳۶-۳-۳-معرفت شهودی
۱۷۵۷-۳-۳-مدی تیشن
فصل چهارم: پاراهامسا یوگاناندا	
۱۷۸۱-۴-بخش اول: شرح احوال و بررسی آثار
۱۷۸۱-۱-۴-تولد و کودکی
۱۷۹۲-۱-۴-تحصیلات و استادان
۱۸۴۳-۱-۴-یوگاناندا جهانی می شود
۱۸۸۴-۱-۴-بررسی آثار
۱۹۰۲-۴-بخش دوم: عقاید و آموزه ها
۱۹۰۱-۲-۴-خداوند یا نیروی کیهانی متعال
۱۹۱۲-۲-۴-خدایان، مظاهر خدای متعال
۱۹۵۳-۲-۴-هستی جلوه گاه خداوند
۱۹۷۴-۲-۴-انگیزه های خداجویی و پرستش
۱۹۹۵-۲-۴-انسان و ابعاد وجودی او
۲۰۳۶-۲-۴-مرگ
۲۰۵۷-۲-۴-کرمه و تناسخ
۲۰۷۸-۲-۴-رنج و علت آن
۲۰۹۹-۲-۴-آزادی و رهایی از رنج؛ مقصد سلوک معنوی
۲۱۲۱۰-۲-۴-لوازم حصول رهایی و وصول به حقیقت متعالی
۲۱۲۱-۱۰-۲-۴-انکار نفس و ترک تعلقات
۲۱۳۲-۱۰-۲-۴-نیایش خالصانه و مستمر
۲۱۴۳-۱۰-۲-۴-مدی تیشن و یوگا
۲۱۸۴-۱۰-۲-۴-عشق
۲۱۹۵-۱۰-۲-۴-درون نگری و معرفت شهودی
۲۲۵۳-۴-بخش سوم: تاثیر پذیری از ادیان و مکاتب عرفانی شرقی
۲۲۵۱-۳-۴-خداوند یا نیروی کیهانی متعال
۲۲۷۲-۳-۴-هستی جلوه گاه خداوند
۲۲۸۱-۲-۳-۴-ودانتا
۲۲۹۲-۲-۳-۴-گیتا
۲۳۱۳-۳-۴-مراتب وجودی انسان
۲۳۳۴-۳-۴-رنج و علت آن

۲۳۴۴-۳-۵-نجات و آزادی
۲۳۵۴-۳-۶-لوازم حصول رهایی
۲۳۹نتیجه گیری
۲۴۳فهرست منابع

۱-۱- بخش اول: مشخصات طرح پژوهشی

۱-۱-۱- موضوع تحقیق

چندی است که جنبش های نو پدید در عرصه دین و معنویت از طریق کتاب، ماهواره، اینترنت، فیلم و موسیقی و یا به دست افراد مدعی در داخل و یا آموزش دیده در خارج از کشور، نشو و نما یافته و فضای فرهنگی و دینی جامعه را با چالش های جدید مواجه ساخته است.

حجم وسیع این جریانات و شیوع اصطلاحات آنها و مخاطب پسندی فعالیت هایشان این جریانات را به پدیده ای قابل تامل و بررسی تبدیل کرده است. هم چنین فراگیر شدن این اقبال سبب احساس بی نیازی از ادیان سنتی و بروز مخالفت های علنی علیه جریان های رسمی دینی خواهد شد. اصطلاح جنبش های نوین معنوی، در سه، چهار دهه اخیر پدیدار شده و اکنون بخش مهمی از مطالعات دینی، جامعه شناسی، روانشناسی و... را به خود اختصاص داده است.

ماهیت این جنبش ها در بسیاری از ممالک دنیا از جمله ممالک شرقی و ایران چندان روشن نیست و سؤالات و ابهامات فراوانی پیرامون کارکرد و اهداف آنها در ذهن و ضمیر فرهیختگان جامعه وجود دارد.

پژوهش حاضر خواهد کوشید تا با طرح ضرورت های وجودی، ماهیت، ساختار، کارکرد، اهداف و تعالیم چنین جنبش هایی با خاستگاه هند و بودایی در بستر جامعه مدرن پردازد.

۱-۱-۲- اهداف تحقیق

این طرح پژوهشی دو هدف کلی را دنبال می کند: در گام نخست به معرفی مهم ترین آموزه های معرفتی سه مورد از جنبش های معنوی نوین که خاستگاه آنها شبه قاره هند در قرن بیستم است، - اشو، جیدو کریشنا مورتی و یوگاناندا - می پردازد و سپس میزان هم گرایی و واگرایی آنها را با دو دین رسمی این سرزمین یعنی هندوئیسم و بودیسم و مکاتب عرفانی آن ها ارزیابی می کند.

۱-۱-۳- سؤالات و فرضیات تحقیق

سؤالات اصلی

۱) مهم ترین آموزه های جنبش های معنوی نوین شبه قاره ی هند در قرن بیستم کدامند؟

۲) این جنبش‌های نوین تا چه حد به تعالیم ادیان بومی این سرزمین-هندوئیسم و بودیزم و مکاتب عرفانی آن‌ها- وفادار مانده‌اند؟

۳) نوآوری‌ها و نقاط عزیمت این جنبش‌ها نسبت به ادیان تاریخی هند در چیست؟

سؤالات فرعی

۴) مهم‌ترین عوامل پیدایش این جنبش‌ها با خاستگاه ادیان شرقی در چیست؟
۵) مدرنیته تا چه حد در ادامه حیات این جنبش‌ها و اقبال جوامع غربی نسبت بدانها مؤثر بوده است؟

فرضیات

۱) عشق نسبت به همه‌ی هستی، خداپاوری، خودشناسی، معنا بخشی به زندگی، آرامش و سرور از جمله مهم‌ترین آموزه‌های جنبش‌های معنوی نوین در هند است.
۲) این جنبش‌ها، تا حد زیادی به مبانی اعتقادی ادیان بومی این سرزمین چون تناسخ، کرمه، تمرینات یوگایی، نیروانه و حقیقت رنج و... وفادار بوده، اما به مباحث سنگین فلسفی توجه نشان نداده و به مبانی اخلاقی و مناسک و آیین‌ها نیز کم‌تر پرداخته‌اند.
۳) آموزه‌های هیچ‌کدام از این جنبش‌ها را نمی‌توان در چارچوب تعالیم رسمی یکی از ادیان تاریخی این سرزمین منحصر و محدود نمود، این جنبش‌ها در آموزه‌هایی چون خودشناسی، معرفت‌شهودی، توصیه‌های سلوکی، درون‌گرایی و... بیشتر با مکاتب عرفانی برخاسته از هندوئیسم و بودیزم همسو هستند.
۴) ناکارآمدی فهم سنتی از ادیان تاریخی، تاکید کم‌تر بر جزمیات و تعبدیات و توجه بیش‌تر به عناصر انسان‌شناختی و روان‌شناختی از جمله عوامل پیدایش این جنبش‌ها در دوره‌ی مدرن و استقبال انسان‌مدرن از آن‌ها می‌باشد.
۵) علت استقبال از این جنبش‌ها با خاستگاه هندی در غرب واکنشی در برابر مدرنیته و مؤلفه‌های اصلی آن چون عقل‌گرایی، علم‌گرایی، اومانیسم و سکولاریسم می‌باشد.
از آن‌جا که هدف اصلی این پژوهش بررسی آموزه‌های این جنبش‌ها و میزان تاثیر پذیری آن‌ها از ادیان بومی و مکاتب عرفانی شرقی است فصول اصلی این رساله به این مهم خواهد پرداخت. سؤالات چهارم و پنجم- که در جای خود بسیار مهم و اصلی‌اند- با توجه به عنوان پایان‌نامه فرعی تلقی شده و لذا به صورت مختصر در فصل کلیات تحقیق طرح و بررسی شده‌اند.

۱-۱-۴- زمینه- پیشینه ی تحقیق

تا کنون در مورد جنبش های معنوی نوین در ایران کارهای اندکی صورت گرفته است که بیش تر بر پایه معرفی این جنبش ها و در نهایت تحلیل و نقد آنها میباشد. در زبان انگلیسی نیز منابع نسبتاً خوبی در این زمینه یافت می شود که تنها معدودی از آنها به فارسی برگردانده شده، و بیش تر به معرفی و تحلیل این جنبش ها در بطن جامعه آمریکا و اصولاً معنویت های غرب پرداخته اند.

۱) یکی از آثار منتشر شده در ایران کتاب "آفتاب و سایه ها" نوشته محمد تقی فعالی میباشد که از سوی انتشارات عابد در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. این کتاب شامل شش فصل بدین شرح میباشد: فصل اول مکاتب هندی، فصل دوم مکاتب معنوی آمریکایی، فصل سوم مکاتب عرفان مسیحی، فصل چهارم عرفان یهود، فصل پنجم آیین ذن و فصل ششم فراعلم و فرا روانشناسی، که هر فصل شامل دو بخش توصیف و تحلیل میباشد. در فصل اول که در روند این رساله از آن استفاده می شود، ابتدا به معرفی مکاتب باستانی هند پرداخته و پس از بررسی هر مکتب در بخشی که به تحلیل و بررسی موسوم است، به نقد مبانی آنها از منظر عرفان اسلامی همت گماشته است. در بخش دوم این فصل به معرفی آیین های نو ظهور در هند می پردازد. معرفی هر آیین شامل تاریخچه کلی، مبانی نظری و اعتقادات، اهداف و آثار و پیامدها و در آخر تحلیل و نقد آنها از دیدگاه عرفان اسلامی است، که این بخش های تحلیل و نقد حجم کمی را به خود اختصاص داده است و چنان خواننده را قانع نمی کند. فعالی در این کتاب تقسیم بندی نسبتاً خوبی از این جنبش های معنوی نوین بر پایه مکان وقوع و رهبران آنها ارائه داده است و از آن جا که برخی از این جنبش ها چند بعدی اند ایشان فقط بعد عرفانی آنها را مد نظر قرار داده است.

۲) همین نویسنده در مجموعه کتاب های هشت جلدی با نام های "جنبش های نو ظهور معنوی (نگرشی بر اندیشه های دالایی لاما، اشو، پائولو، کریشنا مورتی، یوگاناندا، کارلوس کاستاندا، ذن بودیزم)" که از سوی انتشارات عابد در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است، برخی از این دست جنبش های معنوی نوین را به طور جداگانه و گسترده تر مورد بررسی قرار داده است. هر یک از این آثار در سه فصل تنظیم شده است: فصل اول به زندگی نامه، آثار و عوامل تاثیر گذار نظر دارد و فصل دوم و سوم با رویکرد انتقادی مبانی، مولفه ها و شاخصه های تفکر آنها را هدف قرار داده، سعی دارد کاستی ها و آسیب های اندیشه ی این جنبش ها را برملا سازد. سرانجام در فصل سوم به نقد آنها از منظر عرفان اسلامی همت گماشته است. در این مجموعه از کتاب ها بخش اول که شامل زندگی نامه، آثار و عوامل است بسیار پررنگ تر

است ولی بخش دوم و سوم چندان عمیق و علمی بیان نشده است و از کمبودهای زیادی برخوردار است.

۳) از دیگر آثار منتشر شده در این زمینه در ایران، کتابی است با نام "جریان شناسی انتقادی عرفان های نو ظهور" تألیف حمیدرضا مظاهری سیف که در سال ۱۳۸۷ به وسیله ی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی نشر یافته است. در این کتاب همانگونه که از نام آن بر می آید نویسنده در پی این است که ریشه ی بروز این معنویت ها را بررسی کرده و از خلال نقد آنها عرفان ناب اسلامی را هر چه بیش تر نمایان سازد. این نویسنده بیش تر به بررسی آن دسته از جریان های عرفانی نو که در جامعه ایران مجال بروز یافته اند پرداخته و ضرورت چنین مطالعاتی را برای کشور بیان می کند، به این خاطر است که ایشان کتاب خود را با طرح پرسش هایی که پیش روی جوانان ما قرار دارد آغاز می کند. از جمله سوالاتی که در بخش آغازین مطرح می کند عبارت است از: پیام اصلی افرادی مانند کوئیلو، اشو، دالایی لاما و... در آثار متنوع و بی شمارشان چیست؟ آیا این دسته عرفان ها می توانند به سرگشتگی انسان امروزی پاسخ مناسب دهند؟ ریشه های روانشناختی و جامعه شناختی استقبال جوانان ما از این مکتب ها چیست؟ پس از آن ضرورت چنین مطالعاتی را بیان می کند از جمله این که این فرقه ها به دلیل نفوذ در فرهنگ مسلمانان، تعالیم و روش های خود را با برخی از آموزه های اسلام همانند، معرفی و اذعان می کنند که ما همان چیزی را می گوئیم و می خواهیم که عرفان اسلامی می جوید، تنها زبان و شیوه ما امروزی، متفاوت و مردمی تر است. دلیل دیگر این که شناخت نقاط ضعف، کژی ها و کاستی های عرفان ها یا ادیان های عصر جدید کمک می کند که در ارایه امروزی عرفان اسلامی و باز تولید تعالیم و آموزه های آن بر اساس شرایط مخاطب معاصر به بیراهه نرویم و آسیب های نوآوری را در این حوزه کاهش دهیم. نویسنده از همین منظر و برای دست یابی به اهداف خود در این کتاب ابتدا به بیان مشخصه های عرفان اسلامی نظر دارد. از جمله این که عرفان اسلامی فطرت پذیر، خردگرا، حقیقت جو و شریعت بنیاد است. وی برخلاف تصور غالب که ما در عصر بازگشت معنویت هستیم می گوید ما در عصر انفجار معنویت قرار داریم. در عصر جدید با این که بشر خود را بی نیاز از آیین های معنوی دانست اما نتوانست تمنای ژرف درون را فراموش کرده و آتش آسمانی را در خود فروخاموشاند. تجربه ناگوار زندگی منهای معنویت او را واداشت تا برای برآوردن نیاز اصیل و پایدار معنویت مرام ها و مکتب های رنگارنگی بسازد و از لابه لای سنت های کهن معنوی و اوهام و خیال های خود، پدیده هایی به نام عرفان نو برآورد که نهایت سلوکشان تماشای صور خیالی به جای حقایق الاهی است. البته ایشان بیان میکند که این عرفان ها از آن جهت که گوشه ای از نیازهای فطری انسان را گرفته و انسان را به سوی آن می کشاند مورد توجه قرار می گیرند. ولی از آن جا که درک درستی از این نیازهای فطری ندارند و پاسخ مناسبی را نیز

به آن نمی دهند قابل تأمل و بررسی هستند. در فصل دیگری از کتاب که با عنوان محجوبیت فطرت نمایان است، ایشان بیان می کند که در اثر محجوبیت فطرت و فاصله با حقیقت محض در دنیا و عدم درک خداوند و عالم آخرت، ممکن است این گرایش ها از هم گسیخته شوند و به همین دلیل است که معنویت های نوین هر کدام بعدی از فطرت را جدی گرفته و با غفلت از سایر ابعاد به تدوین یک مرام و بنیان گذاری مکتبی معنوی همت نهاده و تنها قادرند به همان نیاز پاسخی ناقص دهند. وی یکی دیگر از عوامل رشد و رواج چنین مکاتبی را فعالیت های وابسته به کانون های سرمایه داری می داند چرا که این ها برای دست یافتن به اهداف خود ترجیح می دهند انسان به خود نیاید تا هوای شرافت بر دلش بوزد و به انحراف طبیعت گرایانه بشر دامن زده و می کوشند راه طبیعت را به سان فطرت بیارایند و با این فرقه های دروغین انسان امروزی را هر چه بیش تر در زندان جهل و نادانی نگه دارند. با این تفاسیر وظیفه انسان عصر مدرن بازشناسی راه طبیعت از فطرت و گرایش تام به سوی فطرت است. در اینجا تحلیل نویسنده بسیار موشکافانه و دقیق است که راهی برای تحقیق بیش تر و گسترده تر را برای خواننده باز می کند. در بخش دیگر این کتاب مظاهری به بررسی معدودی از معنویت هایی که در ایران بیش تر نمود یافته اند، بر اساس همان تحلیل خودش که هر کدام از این معنویت ها گوشه ای از نیاز فطری انسان را گرفته اند و به آن پاسخ نامناسبی داده اند می پردازد. مثلا در بیان عرفان سای بابا، فطرت انقیاد و خضوع را به کار برده و به نقد مختصری از آن همت می گمارد. هم چنین اکنکار، وین دایر، کریشنا مورتی، مرلین منسون، دالایی لاما و ... در بخش دیگری از این کتاب شاخص ها و ویژگی های معنویت نوظهور را بر می شمارد. از جمله این که معنویت های نوظهور صرفا برای حل مشکلات این دنیایی پا به عرصه حیات نهاده اند و از ایجاد تحول در زندگی آدمیان ناتوان هستند. این معنویت ها تنها افراد را برای تحمل همین وضع موجود زندگی آماده می کنند و سطح آمادگی او را برای زیستن در چارچوب تمدن کنونی با همه آسیب ها، کژی ها و کاستی هایش افزایش می دهند. این گونه جریان ها انسان را ستم پذیر بار می آورند و روحیه عزت و آزادگی را در قلب ها می میرانند. وی هم چنین بیان می کند که در این معنویت ها صحبت از شادی، معنا، زندگی، عشق، خدا و آرامش است اما هیچکدام به معنای حقیقی و عظیمی که دارند نمی رسند و این نوعی اسراف در میراث معنوی بشر است. از خصوصیات دیگر این معنویت ها این است که در صدد ایجاد دینی جهانی اند و از این رهگذر، حقیقت برای آنها مهم نیست بلکه کارایی است که بیش ترین اهمیت را دارد. در این صورت اهمیت ندارد که کدام دین و آیین معنوی کامل تر و درست تر است بلکه هر کدام تو را آرام کند می تواند دین تو باشد. در ادامه ایشان به بررسی شش مکتب عرفانی عمده که محل زایش عرفان های جدید بوده اند می پردازد. این شش مکتب را بدین شرح بیان می کند: شمنیسم (طبیعت گرای وهم جو) ، تائوئیسم (طبیعت گرای واقع بین) ، بودیسم (انسان گرای الحادی) ، هندوئیسم (انسان گرای الهی) ، عرفان مسیحی

(خدا گرایی انسان انگار) و عرفان اسلام (خدا گرای انسان باور). پس از این همه در فصل دوم مبحثی را ذیل عنوان معنویت گرایی پست مدرن پیش رو می آورد و مبانی عرفان پست مدرن را به صورت خیلی مختصر بیان میکند ایشان در همین فصل اشاره ای کوتاه بر این که چرا معنویت های شرقی مورد استقبال شدید غرب واقع شده است دارد که می تواند در روند این تحقیق گره گشا باشد و در فصل های بعدی که پایان آن فصل هشتم است به معرفی و نقد برخی از معنویت های نو ظهور مثل اشو، کوئیلو، فالون دافا و عرفان سرخ پوستی نظر می افکند. این نقدها بسیار مختصر بوده و در بعضی موارد تأمل بیش تری را می طلبد.

۴) حمیدرضا مظاهری سیف در کتاب دیگری با عنوان "تجربه های عرفانی در ادیان"، دو فصل را به بحث پیرامون تجربه های عرفانی در هندوئیسم و بودیسم اختصاص داده است. فصل چهارم این کتاب با عنوان هندوئیسم (انسان گرای الهی) مشخص شده است و این نام گذاری به این دلیل است که این مکتب عرفانی انسان را در کانون تجربه ی عرفانی و غایت سلوک معنوی خود قرار داده است. ایشان پس از طرح مسائل مقدماتی در مورد این دیانت مبانی عرفانی آن هم چون اعتقاد به کرمه، مفهوم رهایی، اعتقاد به وجود یک گوهر ثابت، تناسخ و ... به نقد این مبانی اساسی صرفاً از منظر عرفان اسلامی می پردازد. یکی از مفهومی هایی که توجه نویسنده را در این دیانت به خود جلب کرده است مفهوم خداست ایشان اظهار می دارد اگرچه عقاید هندوها درباره برهما متعالی تر از طبیعت گرایان است اما تشبیه او به صفات انسانی، مانع از درک تعالی این خدا می شود. مشکل دیگری که این نویسنده در این دیانت کاملاً بر اساس عرفان اسلامی به چالش می کشد، این است که هندوها برای برهما هیچ چیزی باقی نمی گذارند که انسان حتی با تأملات درونی و پس از رهایی نهایی به آن نرسد به عبارتی این دین فاقد مفهومی چون ذات غیرقابل شناخت خداوند هم چون اسلام است. از موارد دیگری که در این فصل به نقد و نظر کشیده می شود، ناکارآمدی برنامه عملی در این دین است. مظاهری با اشاره به این که یکی از راههای شناخت، حقیقت اعمال و عبادات است بیان می کند که این بی عملی در هندوئیسم یکی از نقاط ضعف این دیانت است. چرا که بین زندگی عادی و معنوی تعارض بنیادینی ایجاد کرده و اینگونه زندگی را فقط برای تعداد معدودی از افراد امکان پذیر می کند. پس از پایان این فصل ایشان در فصل پنجم با عنوان "بودیسم (انسان گرای الحادی)" همانند فصل پیشین پس از تأملی کوتاه در باب مبانی عرفان بودایی به بازبینی و نقد آنها می پردازد. اولین نقدی که نویسنده در این بخش به آن می پردازد، مفهوم بودن و هستی است ایشان بیان می کند که گرایشی پنهان ما را به بودن و هستی و علاقه به حیات می کشاند، در حالی که بودیزم این تمنا را رد می کند. در جای دیگر همین فصل مفهوم آرامش در این دین را مورد بررسی قرار داده و می گوید: در عرفان بودایی شادی به معنای فقدان رنج و اندوه است و آرامش به معنای نبودن اضطراب و نگرانی و این یک

نوع شادی و آرامش منفی است چرا که ریشه چنین اندیشه ای به یک علت یعنی تصورات ذهنی و در نتیجه ناتوانی در مدیریت احساسات باز گردانده می شود. نقد دیگر به این عرفان مشابه نقدی است که به عرفان هندویی دارد، یعنی همان ناکارآمدی برنامه عملی، ایشان می گوید: توجه به درون بسیار ضروری است ولی روی گردانی از بعد وجودی دیگر انسان یعنی ظاهر و عمل خوشایند نیست. اعمال عبادی و مناسک معنوی و نمادین بال های سلوک اند و عرفان های بودیستی و هندوئیستی با بال شکسته به سیر روی آورده و فراز و فرودهای این راه را با پای پیاده می پیماید. ایشان با عقیده به این که معنویت های جدید ریشه در ادیان بزرگ دارد در این کتاب مبانی عرفانی ادیان کهن را مورد بررسی قرار داده است تا در تحلیل معنویت های نوین راهگشای وی باشند. البته نقدهایی که ایشان در این زمینه بیان می کنند با یک دید کاملاً تک بعدی است و چه بسا از منظر های دیگر این نقدها وارد نباشد ولی توجه به این مبانی از دید عرفان اسلامی به جا و وارد است. این کتاب در سال ۱۳۸۸ توسط موسسه ی بوستان کتاب منتشر شده است.

(۵) از جمله آثار دیگر در این زمینه کتاب "جنبشهای نوین دینی (محدودیت ها و امکانات)" در سیزده فصل بدین شرح است: فصل اول وقوع و اهمیت جنبش های نوین دینی، فصل دوم شرقی شدن غرب، فصل سوم سعادت‌مندی و جنبش نو ظهور، فصل چهارم جنبش های نوین دینی جنبه قانونی، فصل پنجم رسانه های جمعی و جنبش های نوین دینی، فصل ششم جنبش های نوین دینی و سلامت روانی، فصل هفتم زنان در جنبش نوین دینی، فصل نهم دامانهور، فصل دهم جنبش های نوین دینی در برزیل، فصل یازدهم کیش ستیز ها در ایالات متحده، فصل دوازدهم واکنش به جنبش های نوین دینی در آلمان شرقی بعد از اتحاد مجدد آلمان و فصل سیزدهم جنبش کیش ستیزی بریتانیا. این کتاب مجموعه ای از مقالات مختلف است که توسط برایان ویلسون و جیمی کرسول ویرایش و تدوین و به وسیله محمد قلی پور به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات مرندیز مشهد منتشر شده است. مقالاتی از این کتاب که به عنوان پیشینه این تحقیق مورد استفاده است عبارتند از: فصل اول با عنوان جنبش های دینی جدید از الین بارکر، به ظهور این جنبش ها و اهمیت آنها می پردازد. اهمیت آماری این جنبش ها، تعداد اعضا، محیط فرهنگی ای که در آن رشد کرده اند، اهمیت این جنبش ها برای مردم و هم چنین اعضایشان، از مواردی است که در این فصل مورد بررسی قرار می گیرد. بارکر در این فصل بیان می کند که این جنبش ها یک پدیده جهانی اند و نه تنها از درون سنت یهودی_ مسیحی بلکه از سنت های دیگر مثل هندوئیسم، بودیسم، اسلام، شینتوئیسم و از فلسفه ها و ایدئولوژی های جدیدتری مثل روانکاوی و تخیل علمی نیز بر می خیزند. وی ضمن نشان دادن تنوع این جنبش ها بیان می کند که در عین حال که این جنبش ها برخی از ویژگی های ادیان جدید را با خود به هم راه دارند ولی آنها هم اکنون نسل

دوم و سوم از اعضا را جذب کرده اند و از اهمیت فرقه ای آنها کاسته شده است. وی هم چنین خاطر نشان می کند که اهمیت فرهنگی و اجتماعی این جنبش ها بسیار بیش تر از اهمیت آماری آنهاست. فصل دوم با عنوان شرقی شدن غرب اثر کالین کمپبل به نظریه شرقی شدن و نیز تغییر اعتقادات، ظهور دین روحی و جادویی، دلایل شرقی شدن و مسائل و مشکلات این نظریه می پردازد. فصل سوم این کتاب با عنوان سعادت‌مندی و جنبش نو ظهور از پاول هیلاس، به اهمیت اقتصادی معنویت جدید در غرب می پردازد. اگرچه اقتصاد ممکن است یکی از تقسیمات نهادی جامعه مدرن در نظر گرفته شود، اهمیت اقتصادی تعهد دینی، جنبه ای از جامعه شناسی دین است که نسبتاً مورد غفلت قرار گرفته است. هیلاس در این فصل گونه های فرعی دینداری جدید را مورد بررسی قرار داده است. وی در این مقاله معنویت شخصی را از مهم ترین مشخصه ی عصر جدید می داند و نظرات مختلف را در مورد سعادت‌مندی در عصر جدید بیان می کند.

۶) از آثار دیگری که به این جنبش های جدید نظری افکنده است کتاب "راهنمای ادیان زنده" در دو جلد است، که توسط جان ر. هینلز تدوین شده است و دکتر عبدالرحیم گواهی آن را ترجمه کرده است. در فصل پانزدهم این کتاب مقاله ای با عنوان ادیان جایگزین نوین اثر گوردون ملتون موجود است وی در این مقاله با بیان این که ظهور معنویت های جدید منحصر به این نسل نیست به بحثی تاریخی پیرامون این جریانات جدید می پردازد سپس گروهی از مهم ترین ادیان جایگزین در غرب را مورد مطالعه قرار می دهد وی در یک صفحه با عنوان تیره ی ادیان شرقی به این مطلب که ظهور جنبش های نوین در غرب متأثر از اصول اساسی ادیان شرق است نظری می افکند که در نهایت می تواند به عنوان سر نخ برای یکی از سوالات این تحقیق باشد. در فصل بیست و یکم تا بیست و پنجم کتاب مذکور چگونگی مهاجرت و انتقال ادیان آسیای جنوبی را در کشورهای دیگر توضیح می دهد و بیان می کند که چگونه این ادیان باعث پدید آمدن جنبش های نوین جدید در این کشورها شده است.

۷) از کتاب های دیگری که در این زمینه بسیار رهگشا ست، کتاب "مشتاقی و مهجوری: گفتگوهایی در باب فرهنگ و سیاست" نوشته مصطفی ملکیان است. ایشان از جمله کسانی است که تحقیقات گسترده و مفیدی در باب دین، عقلانیت و هویت و... انجام داده است. ایشان در این کتاب با بیان عوامل تغییر فکر در میان مردم در دوران معاصر که عبارتند از: از میان رفتن احساس استغناء، غلبه عقل گرایی بر نص گرایی، نقد سنت های فرهنگی و... آشنایی با علوم و معارف جدید را برای شناخت فرهنگ خودی ضروری می داند. وی پس از بیان مقدماتی در باب واژه روشنفکری دینی به بحث پیرامون دین و عوامل ماندگاری آن نظر می افکند. در اینجا ایشان تعاریف متعددی از دین ارائه می دهد و بیان می کند اگر مرادمان از دین وجوه

مشترک میان ادیان نهادینه باشد یعنی اعتقاد به خدا، اعتقاد به همه خدایی جهان، و اعتقاد به این که جهان نظام اخلاقی است، رمز ماندگاری دین این است که انسان خود را هم راه با درد و رنج زوال ناپذیری مواجه می دیده است دین یا به عبارت دیگر این سه فقره عقیدتی این درد و رنج ها را نمی تواند رفع کند اما می تواند به آنها معنا دهد. وی هم چنین در این کتاب به این سوال که آیا می توان دین را از منظر تجدد نگاه کرد پاسخ داده، که در پیشبرد این رساله مفید است. وی در بخش دیگری از این کتاب به تعریف مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون و وجوه تفاوت آنها می پردازد. در این میان نخستین ویژگی مدرنیته را توجه آن به عقل و عقل گرایی بر می شمارد. وی با مقابل هم قرار دادن مدرنیسم و سنت گرایی و دین و معنویت بیان می کند که دین هم می تواند بزرگترین کمک کننده معنویت باشد و هم می تواند بزرگترین مانع و مخرب آن تلقی شود. وی در این کتاب به تعریف دین و معنویت پرداخته و سرانجام معنویت را گوهر و چکیده همه ادیان بر می شمارد. مطالب این کتاب از آن جا که ذهن را به سوی کلیدی ترین مفاهیم مورد استفاده در این رساله هدایت می کند بسیار مفید و راهگشا است. این کتاب از سوی انتشارات نگاه معاصر در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

۸) همین نویسنده در کتاب دیگری با عنوان "راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت" گفتارهایی را در مورد دین و عقلانیت و معنویت ارائه می دهد. وی بیان می کند محدودیت های وجود آدمی مقارن است با آغاز اقبال به دین و این که هر انسانی کدامیک از این محدودیت ها برایش ملموس باشد به شرایط مختلفی از جمله محیط اجتماعی که فرد در آن زندگی می کند و علی الخصوص به سنخ روانشناختی خود فرد وابسته است. ملکیان در این کتاب با بیان دو خصوصیت اساسی دین یعنی سرچشمه گرفتن از یک وحی معتبر و این که با رشته ای ناگسستنی به سر چشمه خود متصل باشد (نه بدعت آمیز باشد و نه انشعاب گرایانه) به تمایز میان دین حقیقی و دروغین می پردازد. وی بیان می کند همه پیروان این دین نماها (دین هایی که دو خصوصیت فوق الذکر را نداشته باشند) صادقانه بر این باورند که راه یافته اند در حالی که آنها فریب خورده اند و این فریب خوردگی حاکی از دو چیز است: یکی خصیصه شیطانی یعنی فریب دهندگی این دین نماها و دیگری این که این دین نماها با دین حقیقی و راست کیشانه مشابهت فراوان دارند، و از این رو بازشناسی آنها از ادیان حقیقی بسیار مشکل است. هم چنین در این کتاب به بیان ویژگی های عرفان های جعلی و ساختگی از نگاه سنت گرایان می پردازد. وی هم چنین به بیان مراد خود از سنت و تجدد پرداخته و بیان می کند عقلانیت متجددانه به کار تغییر جهان و تبدیل آن به صورتی که آدمی می خواهد می آید در صورتی که عقل سنتی در طلب کشف حقیقت است. وی ارجمندترین شاخصه تجدد گرایی را آزاد اندیشی و مطالبه دلیل استدلال گرایی و سر فرود نیابردن در برابر هیچ چیزی جز دلیل و برهان می داند در عین حال بزرگترین نقدی که بر تجدد گرایی

می‌گزارد علم‌زدگی آن است. این کتاب نیز از طرف همان انتشارات در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

۹) از جمله آثار موجود دیگر در این زمینه که حائز اهمیت است کتاب "سنت و سکولاریسم" است که در بر دارنده گفتگوهایی در باب دین و معنویت و مدرنیته است این مجموعه سخنرانی‌ها توسط موسسه فرهنگی صراط در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است. بخش آغازین کتاب شامل مقاله‌ای با عنوان دین و دنیای جدید از عبدالکریم سروش است. وی در این جستار پس از بررسی ریشه‌های مدرنیته به تحلیل دین در دنیای جدید نظر می‌افکند. ایشان علم جدید و به ویژه علم تجربی را اولین ریشه مدرنیته دانسته و بیان می‌کند: علوم تجربی چهار عنوان جدید با خود آورده‌اند که عبارتند از: وسایل، غایات، مفاهیم و تصدیقات. ایشان در ادامه سخن خود چنین می‌نویسد: در جهان جدید زندگی معنای دیگری پیدا کرده است و مردم دل در گرو غایات دیگری دارند که مشخص‌ترین اینها لذت جویی و خوش‌باشی است. به میدان آمدن وسیله‌ها که از نتایج مدرنیته است، با ایجاد تغییر روان‌شناختی در انسانها نگاه مردمان را به عالم عوض کرده است. در حالی که نگاه انسان گذشته، نگاهی هم‌راه با قناعت بود، نگاه انسان امروزی نگاهی کاملاً استخدام‌گرانه و ابزاری است و این همان معنای عقلانیت ابزاری یا همان عقل مدرن است که به همه چیز به چشم ابزار نگاه می‌کند. در گذر از یک دنیا به دنیای دیگر ما با تغییر چهار مقوله بالا روبه‌رو هستیم این است که آن چه در دنیای پیشین طبیعی می‌نمود در دنیای جدید غیر طبیعی خواهد نمود به این ترتیب اصل و فرع‌ها به جای یکدیگر نشسته و دگرگونی‌ای در دنیای جدید پدید می‌آید. با پدید آمدن این عقلانیت ابزاری دین نیز در دنیای جدید معنای دیگری یافته است و آن چه در گذشته انسان را به عنوان دین‌رازی می‌کرد در دنیای معاصر پاسخگو نیست و این همه به دلیل تغییر در چهار ستون هر دنیا یعنی همان غایات، وسایل، مفاهیم و تصورات است. سروش در مقاله دیگری با نام سکولاریسم در کتاب فوق‌الذکر به بیان معنای سکولاریسم و تأثیر آن بر دین در دنیای جدید پرداخته و بیان می‌کند: ماجرای سکولاریسم، ماجرای اندیشه و انگیزه بشر معاصر است. سکولاریسم در اندیشه، همان توجه کردن به عالم ماده و چشم بر گرفتن از مراتب دیگر وجود است. هم‌چنین سکولاریسم در انگیزه، عبارت است از تلاش برای همین حیات و معیشت دنیوی و آن را غایت انگیزه بشر دانستن. از نظر سکولارها اولاً کنار گذاشتن دین، کنار گذاشتن خدا، حاملان و متولیان دین فوایدی دارد ثانیاً به عقل محض عمل کردن و فقط احکام عقل را محور زندگی قرار دادن هیچ‌زیانی ندارد، حتی اگر پای خدا هم از زندگی آدمی بیرون کشیده شود، لذا در اینجا انگیزه‌ها سکولار خواهند شد. وی در پایان این مقاله سه نوع دینداری را که در جهان وجود دارد نام می‌برد: دینداری معیشت‌اندیش، دینداری معرفت‌اندیش و دینداری تجربت‌اندیش. دین‌ورزی معیشت‌اندیش نوعی دین‌دنیوی است که دین را

فقط برای زندگی در این دنیا می خواهد. در دینداری معرفت اندیش دین به طور کلی مجموعه ای از اندیشه هاست، این نوع دینداری در پی تفهیم مفاهیم جهان جدید است. دینداری تجربت اندیش متعلق به قلب است و ارتباط شخص با منابع دینی کاملاً شخصی می شود. وی در پاسخ به این پرسش که آیا سرنوشت همه آدمیان به سکولاریسم ختم می شود؟ می گوید: در حال حاضر دو روند فکری در میان سکولارها موجود است یکی کسانی که می گویند سکولاریسم زمام تاریخ را به دست دارد و تاریخ بشر نهایتاً به سکولاریسم خواهد انجامید. در مقابل دسته دیگری هستند که می گویند چنین اجتناب ناپذیری تاریخی وجود ندارد. این افراد معتقدند شواهد متعددی نشان می دهد که تاریخ به سوی سکولاریسم نمی رود از جمله این شواهد بازگشت حکومت های دینی و بازگشت فاندامنالیسم است. از بیانات سروش در این مقاله بر می آید که یکی از دلایل مهم پدید آمدن جریانات دینی و عرفانی نو در اثر ظهور پدیده ای به نام سکولاریسم است. گفتاری دیگری در این کتاب با عنوان سه گونه قرائت از سنت در عصر مدرنیته از محمد مجتهد شبستری موجود است. وی در بیان مشخصات مدرنیته چنین می گوید: زیر سوال رفتن جهان خارج و پیچیده شدن جهان داخلی انسان از مشخصات مهم مدرنیته است. با نامطمئن شدن جهان خارج، تجربه تقدیر و سر نوشت ازلی از آدمی گرفته می شود. این تجربه تقدیری چه در تفکر، چه در دین و چه در زندگی در عصر مدرنیته از میان رفته است. عصر مدرنیته عصر بدعت است چرا که عصر انتخاب است. وی بیان می کند آن چه در مدرنیته از دست رفته است یک واقعیت قدسی است. مدرنیته یک وضعیت است که در آن دائماً میان منابع نیرویی قدیم و منابع نیرویی زنده و کارآمدتر که آدمی آنها را کشف می کند، نسبتی برقرار می شود. با چنین جهانی که محصول دست مدرنیته است ما چه رویکردی می توانیم به سنت دینی داشته باشیم؟ آیا می توانیم سنت دینی را به کل کنار بگذاریم؟ شبستری بیان می کند اینجاست که سنت دینی مغرب زمین برای حل این مشکل در میان متألهان مسیحی سه نوع رویکرد را بیان می کند. که صحبت از این سه رویکرد در اینجا بحث را به درازا می کشاند. در همین کتاب گفتار دیگری ذیل عنوان معنویت گوهر ادیان از مصطفی ملکیان است که بحث های آن در فهم مسائل بنیادین این رساله و هم چنین تفهیم دین و معنویت بسیار مفید است. وی در اوان سخنانش می گوید: ما چه بخواهیم و چه نخواهیم انسان مدرنیم. با این وصف آیا برای انسان مدرن هر برداشتی از دین و هرگونه طرز تلقی از آن امکان پذیر است؟ پاسخ ایشان به این پرسش این است که انسان مدرن دیگر نمی تواند دین را مانند انسان سنتی قبول کند بنابراین چنین انسانی دو راه در پیش دارد، یکی این که به طور کلی دست از دین بر دارد که در این صورت با یک خلأ درونی رو به رو خواهد شد و دوم این که دین را به صورت جدیدی بپذیرد که این فهم جدید از دین را می توان معنویت نامید. آن فهم سنتی از دین البته در زمان خودش کارکردهای مثبتی داشته است ولی امروزه کارایی خود را از کف داده است بنابراین ما امروز به معنویت نیاز داریم نه فهم سنتی از دین. وی بیان می کند